یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

گفت‌وگوی سیدهادی سیدافقهی، کارشناس مسائل بین‌الملل با «فرهیختگان» درباره ۱۰۰ روزگی جنگ غزه

مقاومت برای ۶ ماه جنگ آماده است

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

فرماندهان نظامی آمریکا به سرزمین‌های اشغالی سفر کردند تا فرماندهی تهاجم به غزه را برعهده بگیرند و ظرف یک یا دوهفته طومار مقاومت اسلامی را درهم بپیچند و سپس سراغ حزب‌الله لبنان بروند. ۱۰۰ روز از این رویاپردازی می‌گذرد و هنوز رژیم صهیونیستی و متحد اصلی‌اش آمریکا نتوانسته‌اند در غزه پیروزی حداقلی کسب کنند. رژیم در دستیابی به اهدافش ناتوان است و ناچار به ادامه جنگ فکر می‌کند و در طرف مقابل مقاومت برای ماه‌ها نبرد خود را آماده کرده است. در یکصدمین روز جنگ با سیدهادی سیدافقهی، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره جنگ غزه و آینده پیش‌رو گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

۱۰۰ روز از جنگ می‌گذرد. ارزیابی شما از این جنگ چیست؟ به‌نظر می‌رسد رژیم در تهاجم نظامی با بن‌بست مواجه شده است. از نظر شما آیا صهیونیست‌ها توانستند به اهداف تعیین‌شده خود دست پیدا کنند؟ اگر نتوانستند دلیل آن را چه می‌دانید؟

اولین علتی که غربی‌ها، رژیم صهیونیستی و آمریکا برای حمله بی‌رحمانه خود به مقاومت اسلامی فلسطین به‌ویژه بعد از ورود زمینی به خاک غزه مطرح می‌کنند، این است که آغازگر جنگ حماس بوده و «طوفان الاقصی» را حماس آغاز کرده است. این فریب تاریخ و دروغ زشتی است. ۷۵ سال است رژیم صهیونیستی این سرزمین را اشغال کرده و مردم آن را آواره و محاصره و هم از ساده‌ترین امکانات یک زندگی شرافتمندانه محروم‌شان کرده است. اگر برای جنگ علت بیاورند باید از این نقطه شروع کنند. مساله بعدی برای ارزیابی جنگ، فشارهای عوامل سیاسی، امنیتی و اقتصادی است که این عملیات برای رژیم دربرداشته است. مساله دیگر اهداف این عملیات است که اعلام شده بود، یعنی هم حماس و هم جهاد اسلامی معتقد بودند نباید تعرضی به مسجدالاقصی و نمازگزاران صورت گیرد؛ محاصره باید رفع شود، حقوق مردم فلسطین به‌رسمیت شناخته شود، تعداد شهرک‌نشین‌ها توسعه پیدا نکند و اجازه بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین آبا و اجدادی‌شان داده شود. این شرایط نقض و عملیات آغاز شد. مقاومت اسلامی به همه اهداف از پیش تعیین و ترسیم شده خود، دست یافته است. هم به‌لحاظ امنیتی، هم به لحاظ نظامی، سیاسی و هم اجتماعی حماس همه آن چیزی را که می‌خواست به دست آورد، پس می‌توان این ضربه را نه صرفا یک ضربه تاکتیکی، بلکه به‌قول رهبر انقلاب یک ضربه راهبردی دانست. پیش از این حدود ۱۲ جنگ بین مردم غزه و رژیم صورت گرفته، ولی همه عملیات‌ها دفاعی و پدافندی بوده است اما شروع‌کننده این ضربه، مقاومت اسلامی و این یعنی عملیات آفندی بوده است که براساس آن مقاومت وارد سرزمین‌های اشغالی شده و ضربات مهلکی به رژیم زده است.

فکر می‌کردند با تانک غزه را له می‌کنند

نکته دوم ورود به جنگ زمینی در غزه است که مورد تردید بود. آمریکایی‌ها مایل نبودند رژیم صهیونیستی وارد جنگ زمینی شود. بایدن به نتانیاهو گفت شما خطایی که ما در افغانستان مرتکب شدیم، تکرار نکنید. می‌توانید از طریق امنیتی، فشار و محاصره مردم را تسلیم کنید. ورود زمینی نکنید که این برایتان گران تمام می‌شود. این اتفاق هم افتاد. برآورد رژیم خطا بود، یعنی فکر می‌کردند در یک حمله برق‌آسا با ۳۵۰ هزار نیرو و با حدود سه‌هزار تانک غزه را له می‌کنند و دیگر مقاومت اسلامی و حماس باقی نخواهد ماند. همین باعث شد برآورد اشتباهی داشته باشند. یک هفته گذشت، یک ماه گذشت و الان سه ماه هم گذشته اما موفقیتی برای رژیم حاصل نشده. این سوال را پرسیدید که اهداف رژیم چه بود؟ آنها چند هدف عمده را اعلام کردند.؛ اولین هدف‌شان، خلع سلاح مقاومت بود. ما می‌دانیم تاکنون نتوانسته‌اند موفق شوند. دومین هدف‌شان، آزادسازی اسرا که بعضی‌هایشان برای مقاومت، شکار گرانبهایی هستند؛ ژنرال‌هایی که اسیر کرده‌اند و اسرای نظامی قرار نیست به این سادگی آزاد شوند. حماس برای آزادسازی شرط دارد و می‌گوید کل اسرای فلسطینی را آزاد کنید تا من این ۸۰ اسیر نظامی و یک‌سری خانواده‌های غیرنظامی را آزاد کنم، این هدف تاکنون تحقق پیدا نکرده است. هدف سوم پاکسازی مردم غزه از سرزمین پدری‌شان است. این اتفاق نیفتاد. جنگ هم درحال طولانی شدن است. تلفات روزبه‌روز متوجه ماشین‌آلات نظامی و نیروهای رژیم می‌شود، لذا حالا نتانیاهو نمی‌تواند بپذیرد جنگ متوقف شود. آمریکا می‌داند اگر این جنگ متوقف شود، حماس سر جایش باقی خواهد ماند و محور مقاومت این را به‌عنوان یک پیروزی منطقه‌ای تعریف خواهد کرد اما در داخل اسرائیل غوغا می‌شود. می‌گویند نتانیاهو بی‌عرضه بوده که فرماندهان نظامی‌شان شکست خورده‌اند، رهبران تشکیلات منطقه‌ای‌شان بی‌عرضه بوده‌اند، نتوانسته‌اند عملیات را پیش‌بینی یا خنثی کنند و... حالا مثلا فرماندهان اسرائیل ادعا می‌کنند شمال غزه را پاکسازی کرده‌اند و می‌خواهند سراغ جنوب بروند. تا به‌سمت جنوب حرکت می‌کنند از جانب شمال موشک به تل‌آویو شلیک می‌شود. در غزه شاهد دو نوع کنش هستیم؛ یکی مردم روی زمین هستند که در مقابل این نسل‌کشی مقاومت می‌کنند.

تونل‌های ۷ طبقه در غزه

اتفاق دیگر در زیر زمین درحال وقوع است. غزه زیر زمین ۵۰۰ کیلومتر تونل دارد. تونل‌های یک طبقه تا هفت طبقه‌ای که در زیر زمین وجود دارد. چطور رژیم صهیونیستی می‌تواند خودش را به این تونل‌ها برساند؟ اول گفتند ما گاز سمی تزریق می‌کنیم، بعد احتمال دادند شاید برخی اسرای خودشان را هم در این تونل‌ها نگهداری کنند. گفتند آب تزریق می‌کنیم، بعد اعلام کردند این شبکه تونل‌ها اصلا به‌هم پیوسته نیست، مربع‌مربع است، پس در دستیابی به این هدف هم ناکام ماندند. اینها عوامل و انگیزه رژیم و همچنین دلایل شکست آن نیز هستند.

در روزهای گذشته اخباری از عقب‌نشینی ارتش صهیونیستی از غزه منتشر شد؛ اولا درباره وضعیت میدانی جنگ بگویید و ثانیا دلیل این عقب‌نشینی را چه می‌دانید؟ اساسا علت تغییر رویکرد رژیم از تهاجم نظامی به سمت ترور فرماندهان را چه می‌دانید؟

صهیونیست‌ها کل بحران را به سه مرحله تقسیم کردند؛ مرحله اول عملیات طوفان الاقصی بود و ضربه‌ای که از حماس خوردند. مرحله دوم عملیات زمینی بود که الان حدود دو ماه از این مرحله می‌گذرد و هیچ هدفی محقق نشده، بلکه خسارت‌های زیادی داشته است. هم از منظر سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری آبرویشان رفته. پنج قاره دنیا علیه رژیم تظاهرات می‌کنند. جنگ هم درحال توسعه در منطقه است. با وجود این، صهیونیست‌ها می‌گویند ما از مرحله دوم درحال عبور هستیم. البته مرحله دوم را این‌گونه توصیف می‌کنند که ما برنده شدیم و الان در مرحله پاکسازی غزه هستیم. وانمود می‌کنند و اعتراف نمی‌کنند که شکست خورده‌اند. می‌گویند حالا ما در مرحله سوم از جنگ نظامی وارد جنگ هسته امنیتی شده‌ایم تا زمانی که جنگ به‌پایان برسد و به فکر تعیین تکلیف غزه روز بعد از جنگ باشیم.

به‌دنبال امنیتی شدن فضا هستند

در رابطه با جنگ امنیتی ما دیدیم برخی فرماندهان محور مقاومت مانند شهید سیدرضی موسوی را در دمشق به شهادت رساندند، پس از آن یک مهره درشت حماس یعنی صالح‌العاروری را که یکی از فرماندهان سیاسی- نظامی رئیس دفتر سیاسی حماس بود به شهادت رساندند. بعد حسام حسن طویل یکی از فرماندهان ارشد حزب‌الله را جلوی در خانه‌اش به شهادت رساندند. در داخل غزه هم دنبال این هستند که با کمک استخبارات، اطلاعات، امنیت سازمان سیا، سازمان‌های منطقه -که ما می‌دانیم اماراتی‌ها و بحرینی‌ها الان صددرصد در خدمت ارباب خودشان هستند و کمک می‌کنند- رفتند و می‌خواهند بیشتر رویکردشان به‌سمت امنیتی شدن فضا در داخل غزه، کرانه غربی، قدس شرقی و هم در سطح منطقه بروند.

تبعات توسعه جنگ علیه رژیم

به‌لحاظ ظرفیت، رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به این هدف برسد، حتی به‌لحاظ امنیتی نمی‌تواند در پنج یا شش جبهه بجنگد. مطلب دیگر درگیری‌ها در شمال فلسطین اشغالی و در جنوب لبنان است. عمق درگیری‌ها بیشتر شده است. قبلا در حد ۱٫۵ کیلومتر بود. بعد سه کیلومتر و پنج کیلومتر شد. بعد از شهادت العاروری، حزب‌الله پایگاه فرماندهی هوایی میرون در کوه جرمیق را زد. درگیری‌ها تا عمق ۱۰ کیلومتری جهش پیدا کرد. از این طرف هم صهیونیست‌ها ضربات‌شان را در عمق لبنان بیشتر کردند. در عراق ضربات مقاومت اسلامی عراق علیه پایگاه‌های آمریکایی و امکانات اقتصادی‌شان مانند چاه نفت و گاز در شرق فرات بیشتر شد که آمریکا در پس واکنش به این حمله یکی از فرماندهان ارشد حشد الشعبی را به شهادت رساند. در ارتفاعات جولان سوریه شلیک کاتیوشا و پهپادها روزبه‌روز درحال افزایش است و عکس‌العمل رژیم هم زدن داخل دمشق، فرودگاه و تاسیسات مهم سوریه است. جنگ درحال توسعه است. وقتی جنگ توسعه پیدا می‌کند، دیگر هیچ کس ضامن انضباط و حفظ دایره جنگ نیست که بخواهد محدوده خاصی را تعریف کند، چون وقتی مقاومت درگیر می‌شود، شش جبهه یکباره به رژیم حمله می‌کنند. اگر آمریکا بیش از اینکه الان در یمن دارد دخالت می‌کند تحرکاتش را توسعه دهد، قطعا کل کشورهای منطقه درگیر خواهند شد، چون پایگاه‌های آمریکا در منطقه پخش است. واشنگتن ۴۵ پایگاه نظامی زمینی، دریایی و هوایی دارد. این کشور در منطقه منافع و تاسیسات دارد و در آن سرمایه‌گذاری اقتصادی کرده، بنابراین پیش‌بینی بنده این است که اگر واقعا آمریکا می‌خواست به جنگ خاتمه بدهد باید به رژیم صهیونیستی فشار می‌آورد تا از قطعنامه‌های شورای امنیت تمکین کند نه اینکه قطعنامه را وتو کند و باعث دامنه‌دار شدن جنگ شود.

محور مقاومت توان جنگیدن دارد

می‌رسیم به فرض شما که اگر این جنگ ادامه پیدا کند، آیا محور مقاومت توانایی مقابله را دارد؟ بله توانایی دارد. شکست خواهند خورد کمااینکه تا الان هم شکست خورده‌اند، حتی بعد از غزه، همین الانی که ما صحبت می‌کنیم، در صنعا در پنج استان که مورد حمله هوایی آمریکایی قرار گرفت، غوغاست. فکر می‌کنید صنعا سکوت خواهد کرد؟

یعنی از منظر نظامی توان مقابله با آمریکا را دارد؟

یک دفعه ما از منظر قدرت تحلیل می‌کنیم و یک دفعه هم از منظر توان؛ این دو مفهوم جداگانه هستند. از منظر قدرت آمریکا ابرقدرت است. ناو هواپیمابر، بمب اتم، زیر دریایی و پایگاه دارد. اما آیا توان و ظرفیت استفاده از همه این امکانات در یک نقطه را هم دارد؟ شاید یمن آن قدرت را نداشته باشد اما توان جنگیدن را دارد. در تجاوز عربستان به یمن که هشت سال از آن می‌گذرد دیدیم که عربستان هم قدرت، هواپیما و تانک داشت و حتی یمن را هم اشغال کرده بود اما آیا توانست حکومت صنعا را سرنگون کند؟ توانش را نداشت؛ چراکه شیوه نبرد انصارالله و به‌طور کلی محور مقاومت، شیوه جنگ نامتقارن است. انصارالله به اندازه اسرائیل و آمریکا اسلحه ندارد اما شیوه نبرد، توان و اراده آن برای جنگ برتر است. حزب‌الله لبنان در مقابل هفتمین ارتش دنیا در حال جنگ است. حزب‌الله که هواپیما جنگی و توپ و تانک ندارد. جنگ نامتقارن یعنی با حداقل امکانات، به دشمن حداکثر ضربه را وارد کنید. الان یمن در عرض نصف روز می‌تواند تنگه باب‌المندب را بمب‌گذاری کند. دیگر کشتی جرات عبور و مرور از این تنگه را نخواهد داشت. یا با پهپادها و موشک‌ها اقدام کند. یا در یک حالت استشهادی با قایق‌های تندرو ناوها و ناوچه‌ها را در دریا منفجر کنند. شواهد زیادی داریم که توان محور مقاومت بر قدرت‌ها غلبه کرده است. آمریکا سال ۲۰۰۳ میلادی وارد عراق شد اما مقاومت عراق نیروهای آمریکایی را بدبخت کردند. همچنین خیلی از مصادیق دیگر مانند ویتنام، الان هم در غزه شاهد همین هستیم. یک سازمان زیرزمینی که ۱۸ سال در غزه در محاصره است، ارتش هفتم دنیا و مدعی شکست‌ناپذیری را به گریه انداخت.

یک اتفاق بزرگ در این جنگ، رفع ابهام از محور مقاومت بود. برای اولین بار جبهه مقاومت به‌طور یکپارچه و از جغرافیای متفاوت در جنگ وارد شد. چقدر این جبهه توانست به غزه کمک کند و مانع از گسترش دامنه جنگ شود؟ آیا این جبهه می‌تواند مانع از ماجراجویی بعدی دشمنان شود؟ منظورم این است که این را مدنظر قرار خواهند داد که حمله به یک بخش مقاومت، پاسخ سایر بخش‌ها را به دنبال خواهد داشت؟

الان چند حالت و چند مرحله در منطقه وجود دارد. حالت اول طوفان الاقصی بود که توضیح دادم. حالت دوم تهاجم رژیم بود که در حال شکست است، یعنی در محاسبات‌شان، حل یکی دو هفته‌ای مساله غزه بود اما الان وارد ماه چهارم شدند. مساله دیگر شعاری است که سیدحسن نصرالله و دیگر اعضای محور مقاومت اعلام کردند: «وحدت الساحات» یعنی یگانگی میدان‌ها یا اتحاد میادین. منظور میدان‌های یمن، عراق، لبنان، سوریه و فلسطین است. این یگانگی میادین الان خودش را به اثبات رساند. الان حزب‌الله امکانات چندین‌برابری نسبت به جهاد و حماس دارد. ماشین نظامی مجهزتری دارد، در عراق و ایران هم فضا همین‌طور است. این جنگ فعلی الان با حداقل ظرفیت است؛ چراکه اینها می‌خواهند بحران را مدیریت کنند و فشار را از روی غزه بردارند. حزب‌الله با وجود شهدایی که تا الان داده قصد ورود جدی به جنگ و خاک فلسطین اشغالی را ندارد اما با همین وجود الان یک‌سوم نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی را زمینگیر کرده است. این کمک خیلی بزرگی است. به لحاظ ضربه اقتصادی، یمن بندر ام‌الرشراش را فلج کرده است. از آن طرف هم نیروهای مقاومت اسلامی عراق در حال کمک‌رسانی هستند ولی با این وجود همه اینها را هم که پیگیری کنید، می‌بینید که حملات محدود است و الان محور مقاومت با ظرفیت کامل وارد جنگ نشده است؛ چراکه معتقدند خود غزه باید مقاومت کند و حریف این ارتش خواهد شد. امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران هفته گذشته در قم گفت در قطر و در ملاقاتی که با هنیه در دفتر حماس داشت، از هنیه سوال کرد در این مدت درگیری چند درصد امکانات‌تان مصرف شده است؟ هنیه پاسخ داد ۱۴ درصد. مقاومت پیش‌بینی می‌کرد که این دفعه ممکن است جنگ طولانی شود. خودشان را برای شش ماه آینده آماده کردند که جنگ را ادامه بدهند و شکست نخورند. اما آیا واقعا رژیم صهیونیستی می‌تواند شش ماه بجنگد؟ به لحاظ نفرات، شرایط روانی و اقتصادی که حالا بنا در تحت فشار هستند صنعت توریسم متوقف شده، بازار بورس‌شان راکد است، ارزش شکل ۳۵ درصد کاهش پیدا کرده، کارخانجات از بین رفته است، توان ادامه جنگ را دارند؟ حالا با هزینه‌های خود جنگ که روزی چند صد میلیون دلار است، اقتصاد خود رژیم در حال فروپاشی است. اگر جنگ بخواهد یک سال دیگر هم طول بکشد چه بلایی سر رژیم خواهد آمد؟ اینکه نتانیاهو اعلام می‌کند تا یک سال آینده هم جنگ را ادامه می‌دهد بلوف است. می‌خواهد روحیه حماس را تضعیف کند درحالی‌که ما از داخل فلسطین اشغالی گزارشاتی داریم که وضعیت خیلی بد است. منتها نتانیاهو می‌داند اگر نتواند اسرا را آزاد کند بعد از جنگ قطعا در جهنم به روی او باز می‌شود، محاکمه می‌شود و حیات سیاسی‌اش به پایان می‌رسد.

یکی از کارشناسان می‌گفت که در واقع همان یک ماه اول که غزه ۲۴ ساعته لاینقطع بمباران شد تقریبا تمام انبارهای رژیم تخلیه شد و اصلا پیش‌بینی نمی‌کردند که جنگ طول بکشد. الان اعضای ناتو، یعنی فرانسه، انگلیس و دیگر کشورها برای رساندن سلاح به رژیم پل هوایی برقرار می‌کنند. همه اینها تحت کنترل آمریکاست. بمب‌های یک تنی را آمریکا به رژیم داده، اگر این کمک‌های نظامی آمریکا نبود همان یک ماه یا نهایتا دو ماه اول ماشین نظامی رژیم به گل می‌نشست. رژیم صهیونیستی اصلا عادت ندارد که جنگ را طولانی کند.

گفت‌وگو با سیدرضا صدرالحسینی درباره ۱۰۰ روزگی جنگ غزه

مقاومت به هدف حمایت از آرمان فلسطین رسید

یکصدروز از جنگ غزه می‌گذرد. مقاومت غزه در این جنگ کم هزینه نداد اما توانست به آنچه می‌خواست برسد. آنها با دست خالی در برابر یک ارتش مجهز، آرمان فلسطین که درحال رفتن به محاق بود را زنده کردند. جنگ صدمین روز خود را پشت سر می‌گذارد و مقاومت هنوز سرپاست و مقاومت می‌کند. درباره صدمین روز جنگ با سیدرضا صدرالحسینی، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

تصور اینکه جنگ به یکصدمین روز خود برسد، در اکتبر ۲۰۲۳ غیرقابل باور بود، یعنی حتی هواداران مقاومت نیز گمان نمی‌کردند این گروه در برابر یک ارتش مجهز، تا این سطح مقاومت کند. تداوم جنگ به‌معنای عدم دستیابی رژیم به اهدافش تفسیر می‌شود. ارزیابی شما از این جنگ چیست؟

با گذشت صد روز از جنگ غزه، شاید بتوانیم یک ارزیابی نسبتا دقیقی از شرایط گذشته و چشم‌انداز آینده داشته باشیم. درواقع برای این ارزیابی باید، ادعاهای دو طرف را مورد ارزیابی قرار دهیم. مهم‌ترین موضوعی که مقاومت فلسطین به‌دنبال آن بود، حفظ هویت و افزایش مطرح شدن فلسطین و آرمان‌های آن در افکار عمومی دنیا بود. برای بیان بهتر و توضیح دقیق‌تر باید بگویم در طول ۲۰ سال گذشته، هیچ اجلاسی از جانب کشورهای عربی و اسلامی که در آنها جمهوری اسلامی حضور نداشت، وجود نداشت که اسم فلسطین و آرمان فلسطین در آن برده شود. درواقع یک کار همه جانبه برای نابودی فلسطین چه از جهت خاک و چه از جهت آرمان توسط نظام سلطه به‌وجود آمده بود، حتی نام فلسطین و نقشه فلسطین از کتاب‌های درسی کشورهای اسلامی در قالب سند ۲۰۳۰ فرهنگی آنها برداشته شده بود.

درواقع فلسطینی‌ها به این نتیجه رسیده بودند تخریب روزانه منازل‌شان، شهادت روزانه کودکان و بانوان و مردان و سالخوردگان‌شان، معلول شدن مردان‌شان و زندانی شدن‌شان در حال فراموشی در اذهان عمومی همه مردم جهان از جمله مسلمان‌هاست. درحقیقت عملیات طوفان الاقصی برای ضربه به هیمنه رژیم صهیونیستی در چند بعد اساسی از جمله از بعد نظامی و امنیتی بود. بنابراین در این توضیح کوتاه مشخص شد خواسته مقاومت فلسطین چه بود و قطعا این خواسته با حمایت مردم غزه همراه بود؛ چراکه در طول صد روز گذشته کوچک‌ترین سستی در اراده و عزم مردم غزه دیده نشده است.

در مقابل رژیم صهیونیستی در روز پس از عملیات طوفان الاقصی اعلام کرد ما چند هدف اصلی داریم؛ اول نابودی کامل حماس، دوم آزادی اسرا، سوم دستیابی به تونل‌ها، چهارم کوچاندن مردم غزه و پنجم دستگیری یا به شهادت رساندن فرماندهان ارشد حماس. بعد از صد روز کاملا مشخص است می‌توانیم چه قضاوتی را در ارتباط با این ادعاها داشته باشیم و قطعا مشخص است تداوم جنگ با حمایت کامل آمریکا و ناتو از رژیم صهیونیستی برای این است که او نتوانست به بخش کوچکی از یکی از این ادعاها یا خواسته‌های خودش هم برسد.

درحقیقت در شرایطی با هم صحبت می‌کنیم که به‌دلیل عدم موفقیت رژیم و عدم توان استقرار در شمال غزه، اکثر یگان‌های این رژیم از شمال غزه خارج شده و به‌دلیل اینکه امکان توانمندی در مقابل انواع تله‌های انفجاری، مین‌های خیابانی و شکار نیروهای متجاوز رژیم صهیونیستی از جانب تک‌تیراندازان مقاومت وجود نداشته است. بنابراین می‌توانیم این ارزیابی را به‌طور کامل داشته باشیم مقاومت به اکثریت خواسته‌های مادی و معنوی خود و بازیابی آگاهی اکثریت مردم جهان که نمونه‌ای از آن، حضور مردم در بیش از ۹۰ کشور دنیا به حمایت از آرمان فلسطین و مقابله با تجاوز جنایتکاران رژیم صهیونیستی، رسید.

به‌نظر شما در روزهای آینده چه اتفاقاتی در صحنه میدانی رقم خواهد خورد؟ آیا با توجه به عدم دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده رژیم، احتمال تداوم جنگ را می‌دهید؟ در چنین شرایطی مقاومت توان ادامه دادن جنگ را خواهد داشت؟ با توجه به حمله آمریکا به یمن، آیا بازیگران دیگری پا به میدان خواهند گذاشت؟ اگر چه سطح پاسخ یمن در این زمینه تعیین‌کننده خواهد بود، اما آیا از نظر شما دایره جنگ گسترده‌تر خواهد شد؟

به‌نظر می‌رسد با ادعاهایی که در طول صد روز گذشته از جانب غرب و به‌ویژه آمریکا درخصوص عدم تمایل به گسترش جغرافیایی جنگ وجود داشته، در روزهای اخیر با حمله آمریکا به مراکزی از یمن، مشخص شد این علاقه‌مندی فقط درقالب شعارها و مصاحبه‌های رسانه‌ای بیش نبود. این آمریکایی‌ها هستند با اقداماتی که در روزهای اخیر انجام دادند، ناامنی را به بخش وسیعی از منطقه غرب آسیا به‌ویژه منطقه ژئوپلیتیک باب‌المندب (یا گذرگاه باب‌المندب) و دریای سرخ منتقل کردند. البته در شرایط کنونی به هیچ عنوان نمی‌توان نسبت به شروع یک عملیات گسترده در منطقه، به تعبیری شروع یک جنگی تحت عنوان جنگ جهانی سوم یا ورود بازیگران موثر دیگر در این منازعه نظامی قضاوت کرد، اما آنچه مشخص است آمریکایی‌ها پا در گردابی گذاشتند که به این زودی و به این سرعت نمی‌توانند از آن خارج شوند. ضمن اینکه برای کمک به رژیم صهیونیستی همه تلاش خود را معطوف کرده بودند، خودشان در منجلابی گیر خواهند کرد که خروج از آن برای آنها بسیار هزینه‌زاست. نباید فراموش کنیم علی‌رغم انتقادهای قابل توجه جمهوری خواهان در آمریکا از بی‌عملی بایدن در حمایت بیشتر و همه جانبه‌تر از رژیم صهیونیستی در ساعات اخیر و در روزهای اخیر، مشاهده می‌کنیم مقامات جمهوری خواه هم از اقدامات آمریکا که به‌عنوان یک ابرقدرت نظامی خود را طرف یک مجموعه مقاومتی در نقطه ژئوپلیتیکی غرب آسیا کرده، بایدن را مورد انتقاد شدیدی قرار دادند. درواقع این نکته را باید متذکر شوم آمریکایی‌ها اشتباه بزرگ راهبردی را در حمله به یمن انجام دادند، اما خروج آنها از این منجلاب و گردابی که خودشان ایجاد کردند، چه در حوزه نظامی و چه در حوزه سیاسی به این سادگی نخواهد بود و حزب حاکم هزینه‌های سنگینی را خواهد داد.

در این جنگ جبهه مقاومت عملا وارد جنگ شد. آیا این جبهه توانست مانع از گسترش دامنه جنگ شود؟

همان‌طور که مسلم است اتفاقاتی که در ساحات و جبهه‌های مختلف مقاومت رخ داد، آمریکا را مجبور کرد به‌طور مستقل برای مقابله با این تاثیرگذاری وارد شده و البته همان‌طور که گفته شد، معلوم نیست با چه سرنوشتی از این گرداب خارج خواهد شد. اما هماهنگی میادین مختلف جبهه مقاومت کاملا در این عملیات و در این صد روز گذشته محسوس بود. درحقیقت با تقسیم کاری که جبهه‌های مختلف مقاومت، چه در حوزه حزب‌الله لبنان، چه در مقاومت عراق، سوریه و یمن انجام دادند، نشان‌دهنده هماهنگی کاملی بوده است. در صد روز گذشته بخشی از دغدغه اصلی مقامات ارشد آمریکا، به این مساله معطوف شد. سفرهای روزانه مقامات مختلف نظامی، امنیتی و سیاسی آمریکا در منطقه نشان از نگرانی‌های شدیدی داشت که آنها را برای یک چشم‌انداز تیره و تار آینده روشن کرد که در صورت دخالت در مسائل منطقه‌ای یا حمله نظامی به یکی از جبهه‌های مقاومت، نه فقط با آن جبهه بلکه با مجموعه جبهه‌های مقاومت روبه‌رو خواهد شد. یکی از دلایل هراس آمریکا همین است، هراس مقامات داخلی سیاسی در داخل آمریکا معطوف به همین مساله است. انتقاد از بایدن هم به همین دلیل است، اینها متوجه شدند ورود به صحنه مقابله با یمن، آنها را فقط در مقابل یمن قرار نخواهد داد، بلکه با جبهه‌های مختلف مقاومت که برخی از آنها هنوز هم برای آمریکا ناشناخته‌اند، روبه‌رو می‌کند. این نشان‌دهنده هماهنگی کامل جبهه‌های مختلف مقاومت و فرماندهی مشترک آنها برای مقابله با نظام سلطه است.